

جنگ تریاک

عبدالخالدهادی^۱

^۱ دانشجوی ارشد دانشگاه تهران - استاد دانشگاه کهندژ - افغانستان

نویسنده مسئول:

عبدالخالدهادی

چکیده:

جنگ تریاک یکی از جنگ‌های مشهور تاریخ است که میان امپراتوری «مینگ» و «انگلیس‌ها» به وقوع پیوست. زمانی که انگلیس‌ها از سودِ هنگفت تجارت تریاک آگاهی یافتند بر وسعت و گسترش این محصول بازرگانی برخاسته و بساط آن را در چین پهن کردند، آهسته آهسته بازار تریاک در چین رشد نمود و افرادی زیادی معتاد شدند. وقتی دولت چین از اضرار تریاک آگاه شد واردات این محصول را به چین ممنوع اعلام کرد. چون تجارت تریاک برای بازرگانان انگلیسی سود هنگفتی داشت بنابر همین دلیل انگلیسی‌ها در صدد آزاد شدن دوباره این محصول بازرگانی برآمدند، تا این که «جنگ تریاک» در گرفت و چین در این جنگ شکست خورد، و یک سلسله قوانینی بالای چین وضع شد، و تجارت تریاک دوباره آزاد گردید.

واژگان کلیدی: جنگ، تریاک، استعمار، چین، بازرگانی، اروپا، قاچاق.

مقدمه:

قرن نوزدهم میلادی یا همان عصر رونق تجارت میان «شرق» و «غرب» و استعمار «اروپایی‌ها» به‌ویژه «انگلیس» در محور توجه محققین و منکشفین قرار دارد. در این عصر رویدادهای مهم دوره تاریخ جدید جهان، توسعه اروپا، افزایش قدرت و استعمارهای انگلیس صورت گرفته است؛ چون انگلیسی‌ها برای توسعه بازرگانی و بیشتر ساختن سلطه خود در شرق، ایجاد بازار برای فروش کالای‌های تجاری خود یک سلسله جنگ‌های را به‌راه انداخت که «جنگ تریاک» یک نمونه بارز آن می‌باشد.

تریاک و مواد مخدر از دیری بدین سو یکی از معضلات بزرگ جهان است که حتی تا الحال افغانستان یکی از کشورهای تأثیر پذیر این خسارات به‌شمار می‌رود. اغلباً در عقب این جنگ‌ها دست غربی‌ها بوده که جنگ تریاک میان امپراتوری «مینگ»، «چین» و «انگلیس» نمونه آشکار و واضح این مسئله است. بنأ مطالعات و تحقیق پیرامون این موارد برای بهتر دانستن سیاست دو روی دولت‌های غربی و واقعیت‌های کلی ما را دستگیری می‌کند و میتواند دستمایه‌ای خوبی باشد برای دست‌یابی به یک جامعه‌ای روشن و رسالتمند.

عوامل، جریان و پیامد های جنگ:

زمانی که اروپایی‌ها بازرگانی با چین را آغاز کردند جامعه سنتی در چین با تهدید تازه‌ای روبرو شد، حق بازرگانی مورد تقاضای اروپایی‌ها بازرگانان پرتغال در قرن شانزدهم به سواحل چین رسیدند. بازرگانان هالندی، انگلیسی و فرانسوی پس از آنان آمدند. در سال ۱۶۹۹ م انگلستان یک مرکز بازرگانی در وسیع‌ترین بندر جنوبی کانتون تأسیس کرد، که با مناطق درونی چین از راه زمین مرتبط بود. حضور خارجی اثرات غیر قابل پیش‌بینی بر تکامل چین داشت.

رسماً حکومت چین برای بازرگانی اهمیتی قایل نبود و حضور اروپایی‌ها را به کانتون محدود ساخته بود. این سیاست بازتابی بود از رویه‌های مربوط به قرن‌ها قبل تجارت برای یک دانشمند کونفوسیوس نا شایست بود. ولی در عمل مأموران بندری تا حد زیادی این سیاست رسمی را نادیده می‌گرفتند چون تجارت با غرب نوید ثروت شخصی را می‌داد. کم‌کم صنفی از بازرگانان چینی کوهونگ، تشکیل و تجارت با غرب را زیر نظر گرفت.

با آنکه بازرگانی «افیون» در آغاز به نفع چین بود اما برای اقتصاد «چین» تهدید مهلک پنداشته می‌شد. در اروپا برای ظروف «چینی» محصول «چین» تقاضای زیادی وجود داشت همچنین برای «بریشم» و «چای» ولی چین به‌سان کشورهای دیگر چندان خواستار کالاهای اروپایی نبود. بنا بر آن بازرگانان اروپایی می‌بایست با پول نقد خرید می‌کردند ولی تبادل افیون با نقره نیز مجاز بوده این وضع در سده هجده میلادی تغییر کرد. چون مصرف «افیون» در «چین» افزایش یافته بود. ابتدا هالندی‌ها، سپس شرکت هند شرقی از «هند» به «چین» تریاک آورد و آن را با کالای چینی تعویض کرد، حکومت چین که متوجه اثر ضایع‌کننده شخصیت ناشی از استفاده افیون شد مصرف و فروش «تریاک» را در ۱۸۰۰ م غیر مجاز اعلام کرد.

پس از سقوط ناپلیون در سال ۱۸۱۶ م یک هیئت نمایندگی (سفارت) از «انگلستان» به «چین» فرستاده شد، اما بر سر جنبه‌های تشریفاتی اشکالاتی پیش‌آمد و امپراطور چین «لرد آمهورست» سفیر انگلستان را احضار کرد و فرمان داد که او به کشورش باز گردد.

بدین ترتیب از این سفارت ثمری بدست نیامد و در ضمن داد و ستد و بازرگانی تریاک به سرعت رشد و توسعه می‌یافت. شاید درست نباشد که این تجارت را تازه بشماریم، زیرا تریاک از مدت‌ها پیش و حتی در قرن پانزدهم از «هند» به «چین» وارد می‌شد. «هند» از قدیم الایام اکثراً چیزهای خوب به «چین» می‌فرستاد، اما تریاک یکی از چیزهای بسیار بدی بود که از «هند» به «چین» می‌رفت ولی این بازرگانی بسیار محدود بود، تا این‌که در قرن نوزدهم به علت دخالت اروپاییان مخصوصاً از آن جهت که کمپنی هند شرقی انحصار بازرگانی بریتانیا را در هند به دست خود داشت تجارت تریاک هم توسعه پیدا کرد.

گفته می‌شود که هالندی‌ها در رق تریاک را با توتون مخلوط می‌کردند و آن را مانند سیگار می‌کشیدند و برای جلوگیری از مالاریا مفید می‌دانستند. رسم کشیدن تریاک به وسیله آنها به «چین» راه یافت منتها با شکلی خیلی بدتر زیرا در چین تریاک را بطور خالص و بدون

مخلوط کردن با توتون مصرف می کردند و می کشیدند. حکومت چین می خواست لین عایدات را متوقف کند زیرا عواقب ناگواری برای مردم به وجود می آورد و به علاوه مصرف کردن تریاک مقداری پول را از کشور خارج می ساخت.

در سال ۱۸۰۰ م دولت چین فرمانی صادر کرد که بر اساس آن ورود تریاک به هر عنوانی که باشد ممنوع گردید. اما این تجارت برای خارجی‌ان سود بسیار داشت از همین رو به حمل و قاچاق تریاک پرداختند و ضمناً به ماموران دولتی چین هم رشوه می دادند که این قاچاق را نادیده بگیرند. در همین حال دولت چین مقرراتی وضع کرد که طبق آن ماموران دولتی چین اجازه نداشتند با بازرگانانی خارجی ملاقات کنند. جرایم بسیاری سنگین و سختی هم برای کسانی که زبان «چینی» یا «منچورا» به خارجی‌ان تعلیم بدهند وضع گردید اما تمام این تدابیر ثمری نمی بخشید. تجارت تریاک همچنان ادامه یافت و ظاهراً رشوه خواری و فساد هم رواج داشت. در واقع از سال ۱۸۳۴ م وضع خیلی بدتر شد زیرا دولت انگلستان انحصار تجارت با چین را که در دست شرکت هند شرقی بود ملغاء ساخت و به تمام بازرگانان انگلیسی اجازه داده شد که با چین به تجارت بپردازند.

از آن زمان قاچاق تریاک به طور ناگهانی به شدت افزایش یافت و حکومت چین تصمیم گرفت که برای از میان بردن آن به اقدامات جدی و شدید بپردازد، به همین منظور شخص مناسبی را انتخاب کردند.

شخصی بنام «لین تسه هسی» به عنوان کمیسار مخصوص برای از میان بردن قاچاق تعیین شد و اقداماتی جدی و سریع جهت محو آن روی دست گرفت. شخصاً به بندر کانتون در جنوب چین رفت که مرکز عمده این تجارت غیر قانونی و قاچاق بود و به تمام بازرگانان خارجی که در آنجا بودند دستور داد تا تمام تریاک‌های را که داشتند به او تحویل دهند، آنها ابتدا دستور او را قبول نکردند در نتیجه «لین تسه هسی» بازرگانان خارجی را به اطاعت مجبور ساخت، آنها را در کارخانه‌ها و مراکز خودشان محبوس ساخت و اجازه نداد از آنجا بیرون آیند. تمام کارگران و خدمت‌گزاران «چینی» آنها را هم از ایشان جدا ساخت و نگذاشت پیش ایشان بروند و مانع آن می شد که هیچ نوع غذا و خوراکی از خارج برای آنها فرستاده شود؛ این تصمیمات جدی سبب شد که بازرگانان مزبور تسلیم شوند و ۲۰۰۰۰ صندوق تریاک خود را به او تحویل دهند.

«لین تسه هسی» تمام این مقدار هنگفت را که مسلماً برای تجارت قاچاق آورده شده بود نابود ساخت همچنین اعلام داشت که به هیچ کشتی خارجی اجازه نخواهد داد که وارد بندر کانتون شود مگر آن که ناخدای آن متعهد مسلتزم گردد که تریاک با خود نخواهند آورد و اگر بر خلاف این وعده عمل شود دولت چین خود کشتی و تمام کالاهای آن را ضبط خواهند کرد. «لین تسه هسی» مردی جدی بود و کاری را که به عهده اش گذاشته بودند با جدیت و لیاقت انجام می داد اما توجه نداشت که عواقب این امر برای چین سخت و ناگوار خواهد بود.

عواقب این امر جنگ با انگلستان، شکست چین و یک پیمان توهین آمیز و زاینبار بود و تریاک یعنی همان چیز که دولت چین می خواست آن را ممنوع سازد به زور به حلقوم چین فرو برده شد. این مسئله دیگر اهمیتی نداشت که آیا این تریاک برای چین خوب است یا بد. این موضوع مهم نبود که دولت چین با این تریاک‌ها چه می توانست بکند یا چه می کرد. آنچه اهمیت داشت این بود که ورود تریاک قاچاق به چین برای بازرگانان انگلیسی سود هنگفتی فراهم می ساخت و دولت بریتانیا هم نمی خواست و تحمل نمی کرد که این در آمد را از دست بدهد.

بیشترین تریاک‌هایی که «لین تسه هسی» ضبط و نابود کرد مال بازرگانان انگلیسی بود به این جهت انگلستان به نام دفاع از منافع و حیثیت مال شان در سال ۱۸۴۰ م به چین حمله بردند. یک ناو جنگی بریتانیا بندر کانتون را بمباران کرد و نظامیان بریتانیایی «مجمع الجزایر شوسان» در نزدیکی بندر کانتون را تصرف کردند. سپس چند کشتی جنگی بریتانیا، رودخانه «یانگ تسه کیانگ» را پیمودند و شهرنانکن «نانجینگ امروزی» پایتخت جنوبی چین را مورد تهدید قرار دادند و حکومت امپراتور (تاؤکوئانگ) را ناگزیر به تسلیم شدن در مورد خواسته هایشان کردن این جنگ بدرستی به نام «جنگ تریاک» نامیده می شده است زیرا انگلیسی‌ها برای آن می جنگیدند که حق تحمیل تریاک را بر چین بدست آورند و پیروز هم شدند. چین نمیتوانست در مقابل ناوگان نیرومند دریایی انگلستان که بندر کانتون و سایر جاها را محاصره کرده بود کاری بکند، پس از دو سال بالاخره تسلیم شد.

در سال ۱۸۴۲ م «پیمان نانکینگ» به وجود آمد که بنابر آن پنج بندر برای بازرگانی خارجی باز شد و این بازرگانی در آن وقت مخصوصاً به معنی داد و ستد، و وارد کردن تریاک بود. این پنج بندر عبارت بودند از کانتون، شانگهای، آموی، نینگ پو، و فوچو که «بندر پیمان

«نامیده می شدند به علاوه بریتانیا جزیره «هنگ کنگ» را که در نزدیکی بندر کانتون است نیز تصرف کرد و مبالغ هنگفتی هم به عنوان خسارت تریاکهای نابود شده و هزینه جنگی که بر چین تحمیل کرده بود دریافت کرد.

این اقدام که بعدها «سیاست توپخانه» نامیده شد به پیمان ننگین نانکن منجر شد. امپراتور ناگزیر شد حق تردد آزادانه در خاک چین را به اتباع بریتانیا بدهد و خساراتی به مبلغ ۲۱ میلیون دلار نقره را به دولت بریتانیا بپردازد.

امتیازاتی که بریتانیا از امپراتوری چین گرفت عبارت بود از:

۱ - واگذاری هنگ کنگ به پادشاهی بریتانیا به صورت اجاره محدود که البته تا سال ۱۹۹۷ به درازا کشید. این منطقه از سوی انگلیس منطقه آزاد تجارتی شد.

۲ - پنج بندرگاه چین که انگلیس ها در آن حق اقامت و تجارت داشتند^۱ به روی بریتانیا گشوده شد.

۳ - قانون کاپیتولاسیون.

۴ - نرخ عوارض کالاهای وارداتی کاهش یافت و به رقمی در حدود ۳ تا ۵ درصد رسید.

بدین ترتیب انگلیسیها پیروزی تریاک را به پایان رساندند. پس از جنگ و قبول این قرارداد از سوی چین امپراتور چین نامه ای به ملکه انگلستان نوشت و در آن از مضرات مصرف تریاک توسط مردم گفت و از ملکه درخواست کرد تا محدودیتی برای تجارت این ماده مخدر در نظر بگیرد. اما توجهی به این نامه نیز نشد. برای دولت های استعماری هیچگاه زندگی مردم، حقوق آنها و سایر ارزشهای انسانی مطرح نبوده است. جنگ تریاک یکی از شواهد تایید کننده این مدعا است.

نتیجه گیری:

پس از ممنوع قرار دادن واردات تریاک در چین، غرب امتیازات تجارتی نا برابر بدست آورد. در ۱۸۴۱ م جنگ تریاک بین بریتانیایی ها و چینی ها آغاز شد. تریاک فقط جبهی از این جنگ بود. درگیری واقعی مربوط به محدودیت های تجارتی بود. چین به ترتیبی فاجعه انگیز شکست خورد و ضعف حکومت چینک برای جهانیان آشکار گشت. قدرتهای غربی پس از این آگاهی سریع اقدام کردند. در بیست سال پس از آن بریتانیا و دیگر ملل غربی چین را وادار به واگذاری امتیازات "قلمرو" کردند بازرگانی خارجی و اقامتگاه در تعدادی از مناطق ساحلی چین مجاز شناخته شد. این مکان ها را بنادر و قرار داد ها خواندند. خارجیان مقیم در سرزمین چین تابع قوانین کشور خودشان بودند، و نه قوانین چینی؛ نمی شد آنان را در داد گاه های چین محاکمه کرد. انحصار تجارت منسوخ و عوارض منصفانه از نظر غربی ها برقرار شد. مناطق درونی چین بر روی بازرگانان و میسیونرها باز شد. فزون بر این هر حقی که یک ملت خارجی از چین دریافت می کرد. می بایست به سایر قدرت ها بیگانه در چین اعطاعت شود. حکومت چینک نیروی نداشت که بتواند متکی بدان مقاومت کند و قلمرو منابع و حقوقی خود را از دست ندهد. بنا چین در یک وابستگی اقتصادی و سیاسی باقی ماند.

منابع:

- آوریانوف، آکساندر. گالکین، ایلیا (۱۳۵۹ هـ ش) تاریخ عصر جدید، ترجمه: محمد تقی فرامرزی، تهران: انتشارات شباهنگ.
- اچ، فون، تئودور و دیگران. (۱۳۸۶- هـ ش) تاریخ جهان، ترجمه عبدالرحمن صدویه. تهران: انتشارات فردوس.
- بزرگمهری مجید. (۱۳۹۴ هـ ش) تاریخ روابط بین الملل. تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
- جان موریس، رابرتس. (۱۳۹۱ هـ ش). تاریخ تحلیلی جهان. ترجمه منوچهر شادان. انتشارات بهجت.
- روزول پالمر، رابرت (۱۳۸۶ هـ ش) تاریخ جهان نو، ترجمه ابو القاسم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- سعید یان، عبدالحسین. (۱۳۷۶ هـ ش) کشورهای جهان. تهران: انتشارات علم و زندگی.
- عثمان، حکیم و دیگران. (بی‌تا). تاریخ کشورهای آسیا و آفریقا در عصر حاضر. بخش اول. کابل: مرکز انتشارات پوهنتون کابل.
- لعل نهر، جواهر (۱۳۸۶ هـ ش) نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضیلی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نچکینا، م.و. اسکازکین، س.ر. (۱۳۶۳ هـ ش) تاریخ مختصر جهان، جلد سوم. ترجمه: ت.ف. ناشر: کمیته دولتی طبع و نشر.